

۴ خصوصیت که مرز بین دین‌داری حقیقی و مشغول شدن به صورت های مقدس را مشخص می‌کند

آیا رعایت صورت های مقدس دینی الزاماً به معنی دین‌داری است؟

ما برای چه عبادت می‌کنیم؟ ذکر و دعا و تسبیح و نماز قرار است ما را به کجا برساند؟ آیا پوشیدن لباس روحانیت، مجتهد و مرجع تقلید شدن، التزام به نماز شب، تشریف به حج، برگزاری جلسات روضه و دعا و ... تحت هر شرایطی نجات‌بخش و مفید است؟ آیا پایبندی به صورت های مقدس دینی و انجام عبادت‌های گوناگون، الزاماً از ما انسان بهتری می‌سازد؟

اصلاً ملاک بهتر بودن چیست؟ از روی چه شاخصی می‌توانیم بگوییم فردی از دیگری بهتر است؟ آیا کسی که چندین بار به حج مشرف شده، الزاماً از دیگران بهتر است؟ کسی که نماز شب می‌خواند الزاماً از کسی که نمی‌خواند، بهتر است؟ یک عالم دینی الزاماً از یک آدم معمولی بهتر است؟ کسی که حجاب سفت و سختی دارد، الزاماً از افراد کم‌حجاب بهتر است؟ بالأخره متر و میزان چیست؟ شاخص کدام است؟ کیفیت و اثرگذاری عبادات و اعمال مقدس خود را چگونه ارزیابی کنیم؟

اغلب ما دین‌دار بودن دیگران را با توجه به معیارهای ظاهری و صورت های مقدس دینی می‌سنجیم. وقتی صحبت از افراد مؤمن و مذهبی به میان می‌آید، تصویر یک خانم چادری یا یک آقای تسبیح به دست و دارای محاسن در ذهن‌مان نقش می‌بندد، که پایبند به جلسات ذکر و دعا و ملتزم به رفت‌وآمد در هیئات مذهبی، زیارتگاه‌ها و مساجد است؛ البته این نوع ارزش‌گذاری‌ها تنها محدود به نظر ما در مورد دیگران نیست. اغلب ما دین‌داری‌های خودمان را هم با همین ملاک‌ها می‌سنجیم؛ به‌همین دلیل، وقتی توفیق نماز شب، زیارت خانه خدا یا انجام مناسک مختلف دینی را پیدا می‌کنیم، خود را در جرگه اهل ایمان به حساب آورده و خیال‌مان از بابت دین‌دار بودنمان آسوده می‌شود.

اما چنین برداشتی از دین‌داری تا چه اندازه صحیح است؟ آیا رعایت ظواهر و مشغول شدن به صورت‌های مقدس، الزاماً به معنی ایمان و برخورداری از قلب سلیم است؟ در ادامه به پاسخ این سؤالات می‌پردازیم.

دین‌داری قاعده دارد

همان‌طور که در مباحث گذشته گفتیم، [ساختار نظام خلقت](#) در تمام ابعاد یک ساختار کاملاً ریاضی و قاعده‌مند است. در ساختارهای ریاضی انجام هر عملی اثر وضعی و نتیجه مشخصی دارد؛ به‌طور مثال، اثر وضعی آب خیس کردن است، امکان ندارد آب در جایی ریخته شود و آن مکان خیس نگردد؛ یا اثر وضعی نور، روشن کردن محیط است و امکان ندارد نور در مکانی بتابد و آن مکان روشن نگردد.

از سوی دیگر، در ساختارهای ریاضی برای سنجیدن نتیجه هر کاری معیارهای دقیق و مشخصی وجود دارد و بر اساس حدس و گمان یا با تکیه بر معیارهای توهمی و من‌درآوردی نمی‌توان گفت فلان کار اثربخش بوده؛ مثلاً در زمینه علوم تجربی، پزشک برای آن‌که اثربخش بودن یک دارو را بسنجد، به حدس و گمان و اظهارات زبانی بیمار اکتفا نمی‌کند.

بلکه بر اساس نتیجه آزمایش می‌سنجد که آیا داروها عملاً تأثیری داشته و منجر به تغییرات لازم در بدن بیمار شده یا خیر. در سایر زمینه‌ها هم همین‌طور است. مفید بودن هر عملی را باید از روی خروجی‌اش قضاوت کرد. کسی که مدت‌ها پشت فرمان اتومبیل نشسته و تحت تعلیم مربی قرار گرفته، از جایی به بعد باید بتواند به تنهایی و بدون کمک دیگران رانندگی کند و اگر به این توانایی نرسد، یعنی آموزش‌ها روی او تأثیری نداشته و آن خروجی‌ای که باید، به‌دست نیامده؛ یا کسی که در حال یادگیری زبان انگلیسی است، از جایی به بعد باید بتواند متون انگلیسی را به‌راحتی ترجمه کند و اگر به این توانایی نرسد، یعنی از آموزش‌ها بهره لازم را نبرده و به خروجی موردنظر نرسیده؛ پس به صرف این‌که شخص آموزش‌های رانندگی یا قواعد

زبان انگلیسی را فراگرفته، نمی‌توان اسم او را راننده یا مترجم گذاشت. این توانایی‌ها، که در انسان‌شناسی کسب اسم نامیده می‌شوند، باید در وجود ما تجلی پیدا کنند و در عمل دیده شوند.

در ارتباط با دین‌داری هم همین‌طور است. ساختار دین ساختاری کاملاً ریاضی و هدفمند است که مخاطب آن قلب و بُعد انسانی وجود ماست. اگر احکام و دستورات دین از مرحله عقل عبور کنند و به قلب برسند، بی‌برو برگرد اثر وضعی خود را در روح و جان ما می‌گذارند و این آثار در نوع روابط، چینش‌های فکری، اولویت‌بندی‌ها و خلاصه در تمام ابعاد زندگی ما خودشان را نشان می‌دهد؛ در نتیجه به صرف این‌که کسی ظواهر و صورت‌های مقدس دینی را رعایت می‌کند، نمی‌توان او را دین‌دار خطاب کرد. دین‌داری هم مثل مصرف دارو، رانندگی و مترجمی باید خروجی مشخص داشته باشد. اما خروجی دین‌داری چه باید باشد و چه کسانی را می‌توان حقیقتاً دین‌دار و مؤمن دانست؟

افراد دین‌دار را از روی این خصوصیات بشناسید

همان‌طور که در حرکت جنین به سمت دنیا ملاک تولد سالم است، در حرکت از رحم دنیا به سمت آخرت نیز ملاک تحصیل قلب سالم است؛ بنابراین، کسی نمی‌تواند بگوید چون من طلبه هستم، چون نماز شب می‌خوانم، چون حجاب کاملی دارم، چون به زیارت خانه خدا مشرف شده‌ام، چون سابقه جبهه و جهاد دارم، چون به دیگران خدمت می‌کنم و... پس حتماً آدم مؤمن و خوبی هستم. آدم خوب و مؤمن تعریف ریاضی و مشخصی دارد و از روی معیارهای توهمی و ظاهری نمی‌توان خود یا دیگران را مؤمن خطاب کرد.

مؤمن کسی است که قلبش سالم باشد. قلب سالم هم نتیجه مستقیم تنظیم نظام محبتی و مهندسی معشوق‌هاست. قلب سالم قلبی است که به حقیقت لاله‌الاله رسیده و خدا در رأس تمام معشوق‌ها و محبوب‌هایش باشد. به محض این‌که این اولویت‌بندی جابجا شده و چیزی جای محبت خدا در قلب را بگیرد، فرد از حیثیت انسانی خود ساقط می‌شود؛ ولو آن چیز، یک امر مقدس باشد.

البته ممکن است این سوال ایجاد شود که مگر کسانی که ظواهر دین را رعایت می‌کنند، خدا را دوست ندارند؟ در پاسخ باید بگوییم دوست داشتن خدا یک چیز است، این‌که خدا عزیزترین کس ما باشد چیز دیگری است؛ همه افرادی که عبادت می‌کنند و اعمال مذهبی انجام می‌دهند خدا را دوست دارند، اما همه آنها خدا را در اولویت زندگی و رأس عشق‌هایشان قرار نداده‌اند. علامتش هم این است، که اگر در معرض امتحان قرار بگیرند و مجبور شوند بین رضایت خدا و کمالات حیوانی و دنیوی یکی را انتخاب کنند، کمالات دنیوی را بر کسب رضایت خدا ترجیح می‌دهند.

با توجه به این نکات، اگر بخواهیم خصوصیات فرد دین‌دار و مؤمن را بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم دین‌دار کسی است که چهار خصلت بارز داشته باشد:

• **رحمان باشد**، یعنی دارای **رحمت عام** بوده و نسبت به تمام مخلوقات اعم از انسان‌ها با هر نژاد و اعتقادی، حیوانات، گیاهان و حتی جمادات، مهربان باشد.

• **رحیم باشد**، یعنی دارای **رحمت خاص** بوده و نسبت به افراد باایمان رحمت و مهربانی ویژه‌تری داشته باشد.

• **شادی و نشاط دائمی باشد** و هیچ غصه‌ای نتواند او را به افسردگی و غم بیندازد.

• **آرام و دارای امنیت درونی باشد** و در تندباد حوادث دچار ترس و اضطراب نشود و تعادلش را از دست ندهد.

همان‌طور که امکان ندارد خورشید طلوع کند و هوا روشن نشود، امکان هم ندارد کسی خدا را به عنوان ربّ و مربی خود بپذیرد و به او ایمان بیاورد، اما صفات خدا در وجودش تجلی پیدا نکند. پس این‌که ما چه قدر نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم و چه قدر سرگرم بازی با صورت‌های مقدس مثل مسجد و هیئت و ذکر و زیارت هستیم، مهم نیست. مهم این است که این اعمال چقدر به شدن ما کمک می‌کند و چقدر جذب بعد انسانی ما می‌شود. اگر بنا باشد شدن و تکاملی اتفاق نیفتد، پرداختن به صورت‌های مقدس نه تنها ارزش ندارد، بلکه به اندازه گناه و حتی بیشتر از گناه قلب را فاسد می‌کند. به همین دلیل، در روایات اسلامی آمده

چه بسا کسی پنجاه سال نماز بخواند، اما یک رکعتش هم قبول نشود؛^۱ چون آن اتفاقی که باید، در درونش نمی‌افتد. اعمال عبادی و صورت‌های مقدس، حکم سوار شدن در یک اتومبیل آخرین سیستم را دارند و می‌توانند خیلی سریع‌تر از دیگران ما را به مقصد برسانند، اما به شرطی که به وزن این سرعت مراقبه و محافظت از نفس داشته باشیم.

به عنوان جمع‌بندی، اگر بخواهیم دین‌داری را در یک کلام خلاصه کنیم، می‌توانیم بگوییم «دین‌داری یعنی حرکت از رحمانیت به رحیمیت». هر چه قدر صفات رحمانی و رحیمی در وجود ما بیشتر تجلی پیدا کند دین‌دارتر و به خدا نزدیک‌تریم. لذا افراد پرخاشگر و عصبی که در برابر هر حادثه کوچکی مثل ترقه منفجر می‌شوند، افراد خودشیفته و متکبر که تا کسی حرفی برخلاف میل‌شان می‌زند زود قهر می‌کنند و داد و بی‌داد راه می‌اندازند، افراد حسود و کینه‌ای که نمی‌توانند بهره‌مندی‌ها و نعمت‌های دیگران را تحمل کنند و با قلب صاف و بی‌کینه با آن‌ها رو به رو شوند و افراد افسرده و مضطرب که در برابر حوادث زندگی خیلی زود تعادل‌شان را از دست می‌دهند و به چه‌کنم چه‌کنم می‌افتند، قطعاً ایمان ندارند؛ ولو در ظاهر به رعایت همه صورت‌های مقدس التزام داشته باشند، همه روزها را روزه بگیرند و همه شب‌ها را تا صبح عبادت کنند.

در این درس درباره یکی از بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین آفات قلب سلیم، یعنی مشغول شدن به صورت‌های مقدس دینی صحبت کردیم و گفتیم که این مشغولیت اگر با مراقبت از قلب و نفس همراه نباشد، به اندازه گناه خطرناک است و می‌تواند قلب ما را فاسد کند. هم‌چنین گفتیم که دین‌دار بودن ربطی به حجم عبادات ندارد. مؤمن کسی است که مثل خدا رحمان و رحیم بوده و قلبش در اثر هم‌نشینی با خدا به امن و آرامش رسیده باشد. امیدواریم با کسب این آگاهی‌ها نسبت به وضعیت دین‌داری خود نگاه دقیق‌تر و موشکافانه‌تری پیدا کنیم.

^۱ امام صادق (علیه‌السلام): «وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؛ قسم به خدا، از زندگی انسان پنجاه سال بگذرد (و نماز خوانده باشد)، ولی خداوند یک نماز او را قبول نمی‌کند، چه چیزی سخت‌تر از این» میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۸۷